

«حجاب در علومی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد؛ اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.»



«شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد: «مورد استعمال کلمه ی [ستر به پوشش در مفهوم] حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه ی «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقهاء چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند، کلمه ستر را به کار برده اند،

متن می فرماید: «و من بنینا و بینک حجاب.» ۲ (سوره فصلت: آیه ۵)؛ «میان ما و شما حاجز و فاصله ای در نحله و دین وجود دارد، نیز بدین معنا به کار رفته است» شهید مطهری در مورد واژه «حجاب با تأکید بر مفهوم پوشش بیان می کنند: «کلمه ی حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله ی پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این طور توصیف می کند: «حَتَّى تَوْرَات بِالْحِجَابِ» ۳، (سوره ص: آیه ۳۲) «تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.»، پرده ی حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» گویند.

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره ی خود را به آن می پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می پوشانند.»

در کل می توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی ترین تعریفی است که می توان به آن اشاره کرد. به نظر می رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه از گزندهای مختلف مصون می دارد. چنان که



مفهوم حجاب:

حجاب را از دو بعد لغوی و اصطلاحی می توان تعریف کرد که در بعد لغوی در ساده ترین تعریف حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است؛ چنان که ابن منظور می نویسد: «الحجاب: الستر... و الحجاب اسم ما احتجب به و کل ما حال بین شیئین: حجاب... و کل شیء منع شیئاً فقد حجبه...» «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی می اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجب نموده است.» و در کلامی دیگر خداوند

نه کلمه ی حجاب را . بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه ی پوشش را به کار می بردیم ، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب ، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود . پوشش زن در اسلام ، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.»

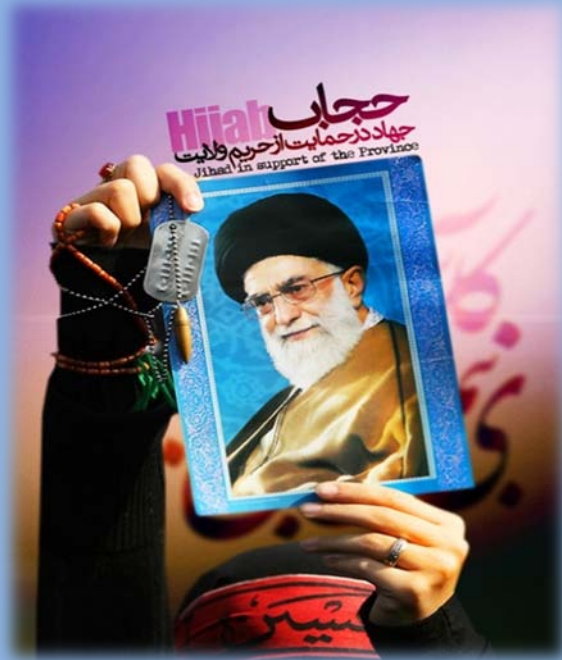
نقش عفاف و حجاب در عظمت زن

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند و در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند اما با جستجو در متون دینی و فرهنگنامه ها به نکته قابل توجهی می رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این گونه تعریف کرده اند: «الحجاب، المنع من الوصول» حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می شود.(۱)

برخی گفته اند حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است و به عنوان شاهد آیه

شریفه «و من بیننا و بینک حجاب»(فصلت، آیه ۵) را ذکر کرده اند. در دیگر کتاب های لغت حجاب را به معنای پرده آورده و نوشته اند: امراه محجوبه؛ زنی که پوشانیده است خود را به پوشاندنی.(۲)

با توجه به معانی ذکر شده در می یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می گویند که مانع از نگاه نامحرم به آنان می شود. عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است که در مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در مفردات القرآن می نویسد: العفه حصول حاله للنفس تمتنع بها غلبه الشهوة؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود.(۳) البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است، گاه به معنای خود نگهداری و پاکدامنی است و گاه «عفت» به معنای قناعت آمده و مسائل مالی مورد نظر است.(۴) آنچه در این مقاله مورد نظر ماست مفهوم اولی است یعنی خود نگهداری از شهوت و مسائل جنسی؛ اگرچه می توان برای هر دو معنا واژه عفت را آورد و ضرری به مفهوم آن نمی خورد. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می دارد.



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی
معاونت دانشجویی فرهنگی

مدیریت فرهنگی

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی